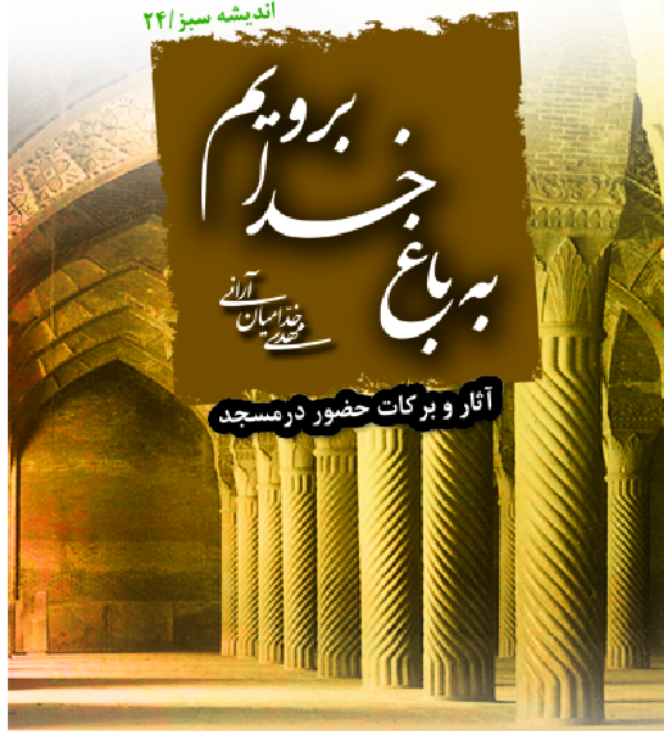


اندیشه سبز / ۲۴

برویم به باغ خدا

آرمان
نورانی

آثار و برکات حضور در مسجد



به باغ خدا برویم

دکتر مهدی خدّامیان آرانی

سامانه پیام کوتاه نویسنده: ۳۰۰۰۴۵۶۹

پایگاه اینترنتی نویسنده: سایت نابناک

Nabnak.ir

انتشارات وثوق - قم

تلفکس: ۳۷۷۳۵۷۰۰ - ۰۲۵ همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۵۸ ۳۹

فهرست

- ۵ مقدمه
- ۷ طرح یک دوستی بزرگ!
- ۱۱ ثواب قدم به سوی مسجد
- ۱۵ چگونه به آرزویم برسیم؟
- ۱۸ بیا خود را بیمه کنیم!
- ۲۰ پیرمردانی که به سوی مسجد می آیند!
- ۲۳ بیا به زیارت خدا برویم!
- ۲۵ من سؤال مهمی دارم
- ۲۸ چه کنم از گناه پاک شوم؟
- ۳۱ یک جای مسجد نماز نخوان!
- ۳۳ بهشت مشتاق کیست؟
- ۳۵ مسجدی که دلش تنگ می شود!
- ۳۷ فرشتگانی که یاریت می کنند!
- ۳۹ دل در گرو عشق مسجد!
- ۴۱ چه نفس های با برکتی!
- ۴۳ ما شکایت داریم!
- ۴۵ پناهگاه من کجا است؟

- ۴۷ فرشتگان برای تو استغفار می کنند.
- ۴۹ باغی بهتر از بهشت!
- ۵۱ مهمان را احترام کن!
- ۵۳ رحمت من شامل حال تو نمی شود!
- ۵۶ دوازده نکته
- ۵۹ پی نوشت ها
- ۶۵ منابع
- ۷۲ بیوگرافی مؤلف
- ۷۳ فهرست کتب نویسنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا می‌دانید وقتی در مسجد حضور پیدا می‌کنید، چقدر خیر و برکت را
به سوی خود جذب می‌کنید؟
آیا می‌دانید مسجد خانهٔ دوست است و در آن جا می‌توان به راحتی به
دریایی از رحمت و مهربانی او رسید؟
آیا می‌دانید که بهشت مشتاق کسی است که دل در گرو عشق مسجد
داشته باشد؟

آیا می‌دانید قلب مسجد برای حضور من و تو تنگ می‌شود؟!
بیایید با حضور در مسجد تلاش کنیم تا معنویت را در زندگی خود
پررنگ‌تر کنیم و به آرامش بیشتر برسیم.
این کتاب به شما کمک می‌کند تا با آثار حضور در مسجد بیشتر آشنا

شوید.

شما می‌توانید دلیل سخنان مرا در پیوست‌هایی که برایتان ذکر کرده‌ام،

بیابید.

وظیفه خود می‌دانم از دوست عزیزم جناب آقای میثم نمکی کمال

تقدیر و تشکر را بنمایم که در این مسیر مرا یاری نمودند.

بسیار خوشحال می‌شوم که از نظرات شما در مورد این کتاب بهره

ببرم، منتظر شما هستم.

قم، مهر ۱۳۸۷

مهدی خُدامیان آرانی

طرح یک دوستی بزرگ!

– آیا شما می‌دانید خانه اصیغ کجاست؟

– کدام اصیغ!

– همان که یکی از یاران حضرت علی علیه السلام می‌باشد.

– آری، انتهای همین کوچه، دست چپ، خانه دَوَم.

از اینکه بعد از ساعت‌ها جستجو در شهر کوفه، سرانجام خانه اصیغ را پیدا کردم، در پوست خود نمی‌گنجم.

من یار باوفای حضرت علی علیه السلام را خواهم دید.

در خانه را می‌زنم و صدای آن پیرمرد مهربان به گوشم می‌خورد که می‌گوید: صبر کن، آمدم.

با مهربانی مرا به خانه خویش دعوت می‌کند و با نوشیدنی گوارایی از من پذیرایی می‌کند.

این پیرمرد چه چهره نورانی و جذابی دارد!

خودم را معرفی می‌کنم: نویسنده‌ای هستم که برای جوانان کتاب

می نویسم، امروز آمده‌ام با شما همراه باشم.
او سری تکان می‌دهد و با مهربانی به من نگاه می‌کند و می‌گوید:
خوب، می‌خواهی با این کتاب خود به جوانان چه بگویی؟
گفتم: می‌خواهم عشق به مسجد را در دل جوانان زنده کنم. آیا
می‌توانی در این راه کمک کنی؟
نگاه کن، غبار غمی بر چهره این پیرمرد می‌نشیند و اشک از گوشه
چشمان او جاری می‌شود.

خدایا! چه شد من که حرف بدی نزد، پس چرا اصبع ناراحت شد.

— آیا از سؤال من ناراحت شدید؟

— نه پسر، با سخن تو به یاد خاطره‌ای افتادم و دلم بهاری شد.

— چه خاطره‌ای؟

— یاد مولای خود حضرت علی علیه السلام افتادم، آن یار مهربانم که مرا تنها
گذاشت و رفت.

و این جا بود که این پیرمرد شروع به سخن کرد: یادش به خیر، آن
روزها که مولایم بود، من به خانه آن حضرت می‌رفتم؛ در کنار او
می‌نشستم و آن حضرت برایم سخن می‌گفت. سخنان آن حضرت چنان
شیرین و ارزشمند بود که هیچ گاه از آن سیر نمی‌شدم.

هر روز آن حضرت مطالبی تازه برایم می‌گفت، آری یک روز هم
سخن از مسجد به میان آمد.

یادم هست که مولایم فرمود: «ای اصبع! سعی کن نمازت را در مسجد
بخوانی. کسی که نماز خود را در مسجد بخواند، خداوند به او توفیق

دوستی با یکی از بندگان خوب خود را می‌دهد تا از دوستی با او بهره ببرد و یا به او شناخت و معرفتی می‌دهد که قبلاً از آن بی‌بهره بوده است و یا توانایی دوری از گناه و معصیت را به او عطا می‌کند.^۱

آری، بی‌جهت نبود که اصبع با این سن و سال زیادی که داشت سعی می‌کرد تا نماز خود را در مسجد بخواند.

او می‌دانست که خداوند متعال برای مسجد رفتن اثر خاصی قرار داده است.

پس ای جوانانی که به دنبال پیدا کردن دوست صمیمی و خوب هستید، به سوی مسجد بشتابید تا صاحب خانه برای شما طرح یک دوستی بزرگ را بریزد.

آری، موفقیت در سایه دوستی با یار و همراهی مناسب حاصل می‌شود.

اگر خواهان عرفان هستی و می‌کوشی تا به معرفت برسی به سوی مسجد رو کن.

بیا و با خانه خدا دوست شو که صاحب خانه از قلب تو، با معرفتی راستین پذیرایی می‌کند.

اگر می‌خواهی رحمت خدا را به سوی خود جذب کنی؛ اگر دوست داری مهربانی خدا را به صورت ویژه در زندگی خود بیابی، به سوی مسجد بشتاب تا زیر باران مهربانی خدا قرار بگیری.

اگر فاصله گرفتن از گناه برایت سخت شده است؛ اگر شیطان وسوسه‌ات می‌کند و تو در مقابل وسوسه‌های او احساس ضعف می‌کنی

به مسجد بشتاب، آن جا است که خداوند ایمان تو را شارژ می‌کند.
بدان با همین حضور در خانه خدا می‌توانی ایمان خود را تقویت کنی.
شیطان در کمین تو است و تو باید آماده باشی. باید شیطان را از خود
ناامید کنی.

تو با مسجد رفتن می‌توانی هر آنچه برای خوشبختی معنوی لازم
داری به دست آوری. آیا دیگر تنهایی‌ها برای تو بس نیست؟
درمان روح تو همین حضور در مسجد است و صاحب خانه که خیلی
آقا و مهربان است، از همه نیازهای تو آگاه است.
او می‌داند که در این لحظه به راهنمایی یک دوست نیاز داری.
برای همین می‌بینی از راهی که باور نمی‌کنی یک دوست خوب
روزیت شد و آنگاه زندگی تو متحوّل می‌شود.^۲

ثواب قدم به سوی مسجد

حاجی! می دانم دلت برای صحرای عرفات تنگ شده است. خدا می داند که انسان در سفر حج چه صفای معنوی را تجربه می کند! شاید برای این سفر ثبت نام کرده ای و منتظری که نوبت شود تا به سوی حرم دوست پرواز کنی!

شاید هم هنوز نتوانسته ای حتی ثبت نام این سفر را انجام دهی. بیا دعا کنیم که خدا این سفر را نصیب همه آرزومندان بنماید. خدایا! به زودی دیدار خانه خودت را قسمت همه آرزومندان بگردان. راستی، می دانی خداوند برای حاجی خانه خود چه پاداشی را آماده نموده است؟

یک روز که خدمت امام باقر علیه السلام بودم، شنیدم که آن حضرت فرمودند: «وقتی که حاجی به سوی خانه خدا به راه می افتد، برای هر قدمی که برمی دارد، خداوند ده حسنه و کار نیک در پرونده او می نویسد و ده گناه او را می بخشد و مقام او را ده درجه بالا می برد».

خوشا به حال حاجی‌ها! کاش من هم جزء دعوت‌شدگان به این سفر
بودم!

خدایا! مگر من دل ندارم، چه می‌شد که من هم می‌توانستم مهمان تو
باشم و گردِ خانه‌ات طواف کنم.

شما که غریبه نیستی، راستش وقتی فهمیدم که خداوند برای حاجی
این همه ثواب قرار داده است از این که نمی‌توانستم به سفر حج بروم،
خیلی ناراحت شدم.

روز عرفه پارسال را می‌گویم، خیلی دلم برای عرفات تنگ شده بود،
دلم هوای خانه دوست را کرده بود.

خدایا! من هم می‌خواستم بیایم! خلاصه، خیلی با محبوبم حرف زدم و
گلایه کردم، دست خودم نبود، کار دل بود.

به او گفتم: «خودت یک جوری دلم را آرام کن».

ساعتی گذشت و من مشغول تحقیق و نوشتن بودم؛ اما حالم گرفته
بود، دائم به فکر این بودم که از چه ثواب بزرگی محروم مانده‌ام، خدا به
حاجی به اندازه هر قدمی که در این سفر برمی‌دارد، ده حسنه می‌دهد و ده
گناه او را می‌بخشد.

اما یک وقت با خود گفتم: من و خیلی‌ها که توفیق تشرّف به حرم امن
الهی را پیدا نکرده‌ایم، آیا می‌توانیم به گونه‌ای دیگر این ثواب بزرگ را به
دست آوریم؟

خواننده عزیز! من به دنبال کاری می‌گردم که ثواب آن مانند ثواب سفر
حج باشد.

کاری که چون آن را انجام دهم، خداوند به هر قدمی که در راه آن برمی دارم، ده حسنه در نامه عمل من بنویسد، ده گناه مرا ببخشد و ده مقام به من بدهد.

آیا شما می توانید به من کمک کنید؟ به نظر شما اصلاً چنین چیزی ممکن است؟

حاجی بعد از سالها چشم انتظاری به مکه رفته است و سختی های سفر را تحمل کرده است، گرد خانه خدا طواف نموده، در صحرای عرفات در آفتاب گرم عربستان وقوف کرده، به منی رفته و قربانی کرده است.

حالا من می خواهم در شهر خودم، کنار زن و بچه ام باشم و همان ثواب را به دست آورم.

باز به سراغ کتاب ها رفتم و مطالعه خود را ادامه دادم. مطالعه من به طول انجامید اما چون گمشده ای داشتم و می خواستم حتماً آن را بیابم این مطالعه و پژوهش برایم لذت بخش بود.

سرانجام آن را یافتم! جواب، واضح و روشن بود. حتماً شما هم می خواهید از آن باخبر شوید.

پیامبر ﷺ فرموده است: «هر کس برای خواندن نماز به سوی مسجد حرکت کند به هر قدمی که برمی دارد خداوند ده حسنه و کار نیکو در پرونده اعمال او می نویسد و ده گناه او را می ببخشد و مقام او را ده درجه بالا می برد».^۳

آری، همان ثوابی که خدا برای حاجی قرار داده، همان را هم به کسی

که برای خواندنِ نماز به مسجد بروم، عنایت می‌کند.
من خیلی خوشحال شدم و یقین کردم که این جوابی بود که خدا برای
من فرستاده بود.
دیگر نزدیک اذان ظهر بود، برخاستم، وضو گرفتم و با عشقی بیشتر و
معرفتی بهتر به سوی مسجد شتافتم.
فکر می‌کنم، بدانی که آن روز من در مسیر رفتن به مسجد چه حالی
داشتم. گویی که در آسمان‌ها سیر می‌کردم!

چگونه به آرزویم برسیم؟

بزرگی انسان‌ها به بزرگی آرزوی آنها است.

تو در زندگی چه آرزویی داری؟

نکند دچار روزمرگی شده‌ای و دیگر جز جلوی پای خود را نمی‌بینی.

نه، تو باید به فردایی زیبا بیندیشی و تلاش کنی که به آن برسی.

زیرا ما به آرزوهایمان نمی‌رسیم، بلکه آن را می‌سازیم.

به هر حال برای ساختن آرزو باید زحمت کشید، خون دل خورد و به

خدا توکل کرد.

وقتی تو حرکت خود را آغاز نمودی باید از خدا هم یاری بگیری و از

او بخواهی که تو را با کمک‌های غیبی کمک کند.

اینجا است که اهمیت دعا مشخص می‌شود، دعا می‌تواند نیروهای

مخفی این جهان را به سوی تو بکشاند و تو را کمک کند تا به خواسته‌ی دل

خود برسی.

اما خیلی وقت‌ها می‌شود که تو دعا می‌کنی اما اثر آن را نمی‌بینی. رو به

آسمان می‌کنی و می‌گویی: خدایا! چقدر صدایت بزنم و تو جوابم را نمی‌دهی؟!

شاید گاهی هم از دعا کردن خسته شوی و آن وقت ندانی که چه باید بکنی.

دعا کردن آدابی دارد که ما باید آن را مراعات کنیم.

چطور وقتی بخواهی نامه و درخواستی از رئیس اداره‌ای بنمایی از چند نفر در مورد پیش‌نویس تقاضای خود سؤال می‌کنی، موقعی که می‌خواهی دعا کنی، سعی کن راه و رسم آن را هم مراعات کنی.

البته سخن در مورد آداب دعا کردن بسیار است ولی اگر به من اجازه بدهی یکی از برنامه‌های امام صادق علیه السلام را برای شما بازگو کنم.

آیا می‌دانید آن حضرت هر وقت می‌خواست دعا کند چه برنامه‌ای را اجرا می‌کرد؟

به طور خلاصه برایت بگویم که طبق گفته امام علیه السلام برای دعا باید این چهار مرحله را طی کنی:

الف. باید صبر کنی تا موقع اذان ظهر فرا برسد.

ب. در آن هنگام مقداری صدقه به فقرا و بیچارگان بدهی.

ج. مقداری عطر به خود بزنی و خود را خوشبو کنی.

د. به سوی مسجد بشتابی و در آنجا برای حاجت خود دعا کنی.

به راستی چند بار این آداب را هنگام دعا انجام داده‌ایم؟!

مگر ما شیعه امام صادق علیه السلام نیستیم؟

پس چرا برای گرفتن حاجت خویش به مسجد پناه نمی‌بریم.

چقدر جوانانی را دیده‌ام که برای استجابت دعا، ذکر و وردهایی که هیچ مدرک معتبری ندارند را خوانده‌اند. چقدر به این طرف و آن طرف دویده‌اند! اما از مسجد محلّ خویش، غافل بوده‌اند.

چقدر ماهرانه ما را از آن چه باید باشیم دور ساخته‌اند.

به اسم، شیعهٔ امام صادق علیه السلام هستیم ولی اعمال و کردار ما با برنامه‌های آن حضرت فاصله زیادی دارد!

مسجد خانهٔ خدا است و تو وقتی در آن جا حضور پیدا می‌کنی، مهمان صاحب خانه هستی.

در کجای این دنیا می‌توانی به این راحتی این قدر به خدا نزدیک شوی؟

پس فرصت را غنیمت بشمار و به مسجد برو، با خدای خویش خلوت کن و از او بخواه تا کمکت کند که به خواستهٔ خود برسی.^۴

بیا خود را بیمه کنیم!

شما می‌دانید که خطرات زیادی، زندگی ما را فرا گرفته است، برای مثال همین خطرات رانندگی را در نظر بگیرید که هر روز جان چقدر از هموطنان عزیز ما را می‌گیرد.

رعایت نکات ایمنی و آموزش کافی در این زمینه بسیار مهم است و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

آیا شما راهی را می‌شناسید که بتواند بلاها را از ما و زندگی ما دور سازد؟

آیا شرکت بیمه‌ای را می‌شناسید که بتواند از وقوع بلا جلوگیری کند؟ من در اینجا می‌خواهم کاری را به شما معرفی کنم که اگر آن را انجام دهید، بسیاری از بلاها را از خود دور کرده‌اید. کار بسیار ساده‌ای است و خرجی هم ندارد.

امام صادق علیه السلام در یکی از سخنان خود به این نکته اشاره می‌کند که دعا کردن در مسجد می‌تواند بلاها را از شما دور سازد.^۵

خداوند چنین اثری را برای دعا کردن در خانه خودش قرار داده است. وقتی که تو مهمان خدا می شوی، به مسجد می روی، با او خلوت می کنی و با او سخن می گویی، او هم تیرهای بلا را از تو دور می سازد. لباس های ضد گلوله را دیده ای؟ وقتی یک نفر آنها را به تن کند، گلوله ها به او برخورد می کند اما در او اثر نمی کند!

تو با حضور خود در مسجد یک لباس ضد بلا به تن می کنی! چقدر افراد را می شناسم که از صحنه مرگ جان سالم به در برده اند. شاید تو خودت هم یکی از آنها باشی. همه این ها به خاطر این است که خداوند می خواسته تا بلا را از تو دور کند.

آری، تو می توانی با حضور در مسجد و دعا کردن، از بلاها بیمه شوی.

پیرمردانی که به سوی مسجد می آیند!

من هم مثل خیلی ها همیشه فکر می کردم که ما باید جوانان را تشویق کنیم که به مسجد بیایند.

آخر از این پیرمردها چه کاری برمی آید؟
آنها را هیچ کجا راه نمی دهند و برای همین به مسجد می آیند، این که ارزش ندارد.

اما امروز فهمیدم که این فکر اشتباه است.
فهمیدم که حضور پیرمردان در مسجد چقدر برای جامعه اثر خوبی دارد.

خداوند وقتی می بیند که پیرمردان به مسجد می آیند خیلی خوشحال می شود.

حتماً می گویی: این سخن را از کجا آوردی؟
فکر می کنم اگر در این جا سخن رسول خدا ﷺ را بیان کنم، برایت جالب باشد: گاه می شود که در روی زمین معصیت و گناه فراگیر می شود،

به گونه‌ای که دیگر صبر خدا لبریز می‌شود و خدا تصمیم می‌گیرد که عذاب خود را بر اهل زمین نازل کند.

عذابی سخت و دردناک!

فرشتگان عذاب آماده می‌شوند تا سزای اعمال زشت انسان‌ها را بدهند.

آخر بی‌حیایی تا کجا؟

خدا هم آخرین نگاه‌های خود را به زمین می‌کند. به یکباره از تصمیم خود منصرف می‌شود. دستور می‌دهد: ای فرشتگان! من از عذاب این مردم صرف نظر کردم.

بار دیگر رحمت خدا بر غضب او پیشی می‌گیرد، به راستی چه شد که خدا از تصمیم خود منصرف شد؟

این سخنی است که فرشتگان با یکدیگر می‌گویند.

آنها این گونه به راز این کار پی می‌برند: خدا در آن لحظات آخر به زمین نگاه کرد، دید که پیرمردانی به سوی مسجد در حال حرکت هستند. آنها در حالی که با سختی راه می‌روند به خانه خدا می‌روند. کودکانی را می‌بیند که در حال یاد گرفتن قرآن هستند.

خدا به خاطر دیدن این دو منظره، از عذاب کردن انسان‌ها، صرف نظر می‌کند.

آری، در آن لحظه اول چیزی که برای خدا جذاب بود و توانست دل او را به رحم بیاورد، همان پیرمرد یا پیرزنی بود که آرام آرام به سوی مسجد می‌رفت.

همان پیرمردی که با عصا به سوی مسجد می‌رود، می‌تواند طوفان
غضب خدا را آرام کند و رحمت بی‌انتهای الهی را به جریان اندازد.
پس بیا قدردان حضور تمام پیرانی باشیم که به مسجد می‌آیند. از آنان
احترام بگیریم که در واقع از رحمت خدا احترام گرفته‌ایم.^۶

بیا به زیارت خدا برویم!

آیا می‌دانی «حدیثِ قدسی» یعنی چه؟

سخن‌هایی که خدا با بندگان خود دارد دو نوع است:

الف) آنچه در قرآن به پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است.

ب) آنچه که بر پیامبر ﷺ وحی شده اما جزء قرآن نمی‌باشد.

به این سخنانی که جزء قرآن نیست، حدیثِ قدسی می‌گویند.

امروز می‌خواهم شما را با یکی از این حدیث‌های قدسی آشنا سازم:

آگاه باشید که خانه‌های من در روی زمین مسجدها

می‌باشند.

چگونه وقتی انسانها به آسمان نگاه می‌کنند، ستارگان را

می‌بینند که نورافشانی می‌کنند، همین طور وقتی فرشتگان

من به زمین نگاه می‌کنند مساجد را می‌بینند که نورافشانی

می‌کنند.

خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو بگیرد و مرا در

خانه‌ام زیارت کند!

دوست من! هر وقت برای ما مهمان بیاید، از او پذیرایی می‌کنیم، چرا که مهمان احترام دارد.

وقتی که ما به مسجد می‌رویم، مهمان خدا هستیم و بر صاحب خانه لازم است که از مهمان خود پذیرایی کند.

شما فکر می‌کنید که آیا خدا از مهمان خود پذیرایی نمی‌کند؟

تو که به مسجد می‌روی، زائر خدا هستی. تو می‌روی تا مهربانی او را در

آغوش بگیری؛ تو می‌روی تا در سایه رحمت او آرام بگیری؛

تو با امید به لطف صاحب خانه، قدم به این خانه می‌گذاری. خدا به زائر

خانه خویش با مهربانی می‌نگرد و رحمتش را بر او نازل می‌کند.^۷

من سؤال مهمتی دارم

پیامبر اسلام ﷺ در خیلی از موارد از جبرئیل سؤال می‌کرد و جبرئیل هم پاسخ پیامبر ﷺ را می‌داد.

پیامبر ﷺ با این که خودش عقل کل بود اما باز هم از جبرئیل سؤال‌های زیادی را می‌پرسید و این پیام را به ما می‌دهد که سؤال کردن نه تنها عیب نیست بلکه هر چه قدر انسان بزرگ‌تر شود، سؤال‌های او هم بزرگ‌تر و بیشتر می‌شود.

حتی پیامبر ﷺ در شب معراج با برادر خویش جبرئیل مشورت نمود و نظر او را پرسید.

به جا است که ما پیامبر ﷺ خویش را الگوی خود قرار دهیم چون در تصمیم‌های مهم زندگی خویش با دیگران مشورت می‌نمود.

به هر حال ما باید این دو روش پیامبر ﷺ (سؤال کردن و مشورت نمودن) را بیشتر مورد توجه قرار دهیم.

اکنون می‌خواهم یکی از پرسش‌های پیامبر ﷺ را برایتان نقل کنم:

- ای جبرئیل!

آیا می‌دانی، خداوند در روی زمین کجا را بیش از همه جا دوست دارد؟

جبرئیل در پاسخ گفت:

«خدا در روی زمین هیچ کجا را به اندازه مسجد دوست ندارد.»

آری، خدا مسجد را به عنوان خانه خود معرفی کرده است و برای همین وقتی تو در مسجد حضور پیدا می‌کنی، می‌توانی رحمت خداوند را به سوی خود جذب کنی.

حال یک سؤال دیگر:

- افراد زیادی به مسجد می‌آیند، در میان این همه انسان، خدا کدام یک را بیش از همه دوست دارد؟

کدام یک از آنها در جذب دوستی خدا از همه موفق‌تر بوده است؟

آیا می‌خواهی جواب را از جبرئیل بشنویم؟

- آن کس که زودتر از همه وارد مسجد شود و دیرتر از همه از مسجد

خارج شود.»

بیا سعی کنیم همواره قبل از اذان، وارد مسجد شویم و خود را برای خواندن نماز آماده سازیم.

وقتی نماز برپا می‌شود، کسانی که با عجله به سوی مسجد می‌آیند، نمی‌توانند آن تمرکزی که برای نماز لازم است، داشته باشند.

اما اگر ما زودتر از اذان و اقامه نماز به مسجد بیایم و در صف نماز بنشینیم و از غوغای زندگی روزانه، لحظه‌ای فاصله بگیریم، بهتر و

راحت تر می توانیم از حضور خود در مسجد بهره بگیریم.
همین طور سعی کنیم بعد از تمام شدن نماز جماعت مقداری در
مسجد بمانیم و به دعا پردازیم و با صاحب خانه راز و نیاز کنیم.
در این صورت است که خداوند ما را بیش از همه دوست خواهد
داشت و ما اثرهای این دوستی خدا را در زندگی خود خواهیم دید.^۸
آیا می دانی خداوند در مورد بنده ای که پس از نماز بلافاصله از جای
خود برمی خیزد چه می گوید؟

پس خوب گوش کن.

این صدا، به گوش می رسد؛ من به این بنده خود کاری ندارم، چرا که او
هم به من کاری ندارد، حرف هایش را در نماز زد ولی بدون خواستن
چیزی از من، بلند شد و به دنبال کار خود رفت.
حال که می دانیم خداوند دعا کردن و نیاز کردن با او را خیلی دوست
دارد پس سعی کنیم تا بعد از نماز با او راز و نیاز کنیم و رحمت خدا را به
سوی خود جذب کنیم.

چه کنم از گناه پاک شوم؟

همه ما می دانیم که گناه و معصیت، روح انسان را آلوده می کند و مانع بزرگی برای رشد و کمال او محسوب می شود. گناه باعث سیاهی قلب انسان می گردد، به طوری که دیگر لذت مناجات با خداوند را درک نمی کند، نمی تواند با او معاشقه نماید و در درگاه او قطره اشکی بریزد. این گناه است که انسان را از نماز شب محروم می دارد و هم چنین مانع نزول باران می شود و امواج بلا را به سوی انسان می کشاند.^۹

به همین دلیل انسان باید برای بخشش گناهانش فکری بکند تا اثرات آن بیش از این در زندگی او باقی نماند.

البته گناهایی که مربوط به حقّ النَّاس است باید نسبت به پرداخت حقّ مردم اقدام نمود، اما گناهایی را که مربوط به حقّ الله است، چگونه از پرونده اعمال خود پاک کنیم؟

آیا اطلاع دارید، امامان معصوم علیهم السلام در سخنان خود حضور در مسجد را به عنوان یکی از مهم ترین عوامل بخشش گناهان معرفی کرده اند؟

آیا در فصل پاییز که برگ درختان زرد می‌شود به یک باغ رفته‌اید تا ببینید موقعی که باد می‌وزد، چگونه برگ درختان بر روی زمین می‌ریزند؟

موقعی که شما هم در مسجد حضور پیدا می‌کنید، این گونه گناهان از وجود شما می‌ریزد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«سعی کنید که همواره به مسجد بروید زیرا که مسجد، خانه خدا در روی زمین است. هر کس وضو بگیرد و به مسجد برود، خداوند او را از گناهانش پاک می‌سازد.»^{۱۰}
خواننده عزیز!

حتماً موقعی که به مسجد رفته‌ای، یک احساس سبکی و نشاط روحی را در وجود خود احساس کرده‌ای؟!

این احساس سبکی به خاطر قرار گرفتن در زیر باران رحمت و بخشش خداوند است که حضرت حق نصیب تو کرده است.

وقتی که این گناهان تو به خاطر حرمت مسجد فرو می‌ریزد، روح تو سبک می‌شود و تو می‌توانی پرواز کنی.

مسجد خانه خدا است و خدا هم پاکیزگی را دوست دارد، وقتی تو جسم خود را پاکیزه می‌کنی و وضو می‌گیری و به سوی مسجد می‌روی، خدا هم به خاطر حرمت مسجد آلودگی‌های روح تو را پاک می‌کند.

آری، اگر با چشم باطن نگاه کنی، همان لحظه‌ای که می‌خواهی به مسجد بروی، بارانی از رحمت خدا بر سر تو فرو می‌بارد و روح تو را

پاک می‌سازد و تو را آماده آن می‌کند که بتوانی در مسجد حضور پیدا کنی. این جا خانه دوست است، و او هم دوست دارد که خانه‌اش پاک بماند، خانه‌اش زیبا باشد و در آن آلودگی نباشد.

تو مهمان او هستی و او در همان لحظه ورود به خانه‌اش، از تو پذیرایی می‌کند، روح تو را پاک می‌کند تا لایق حضور در این خانه شوی. بی‌جهت نبود که بعضی یاران پیامبر ﷺ هنگامی که به گناه آلوده می‌شدند به مسجد پناه می‌بردند و آنقدر در آنجا می‌ماندند تا خدا گناه آنها را می‌بخشید.^{۱۱}

یک جای مسجد نماز نخوان!

بعضی‌ها عادت دارند که وقتی به مسجد می‌روند در یک جای مشخصی به نماز می‌ایستند، اما امام صادق علیه السلام از ما می‌خواهد، وقتی به مسجد می‌رویم در مکان‌های مختلف به نماز بایستیم.

آیا شما علت این دستور را می‌دانید؟

روز قیامت که می‌شود هر قسمتی از مسجد شهادت می‌دهد که تو در آنجا نماز خواندی و بندگی خدا را بجا آوردی.^{۱۲}

خوب، اگر مثلاً تو در صد جای مسجد نماز خوانده باشی روز قیامت صد جا شهادت می‌دهد که تو نماز خوانده‌ای.

توصیه من به دوستانی که به مکه و مدینه می‌روند، این است که سعی کنند، نمازهای واجب و مستحب خود را در مکان‌های مختلف بخوانند.

آیا شما در خانه هم در مکان‌های مختلف نماز می‌خوانید؟

اما می‌دانید که بهتر است در خانه، مکان خاصی را برای نماز خواندن

اختصاص دهیم؟

آیا شما از راز این دستور آگاهی دارید؟ در لحظات آخر عمر بسیار می‌شود که شخصی به سختی جان می‌دهد، سفارش شده است که فرد را در آن لحظات در مکانی قرار دهند که همواره آنجا نماز می‌خوانده است. در این صورت است که سختی جان دادن از او برداشته می‌شود و روح او به خاطر این مکان استثنایی به آسانی می‌تواند، پرواز کند. برای همین ما باید سعی کنیم در خانه یک مکان خاص برای نماز داشته باشیم.

بهشت مشتاق کیست؟

همه مردم دنیا مشتاق بهشت هستند و آرزو دارند که به وصال آن برسند اما امروز من می‌خواهم شما را با کسانی آشنا سازم که بهشت مشتاق آنها می‌باشد؟

به راستی بهشت با آن همه زیبایی و نعمت، عاشق چه کسانی است؟
آیا موافقی این جریان را بشنوی:

یک روز پیامبر ﷺ رو به حضرت علی علیه السلام کرد و فرمود: «ای علی! بهشت مشتاق تو و عمار و سلمان و ابوذر و مقداد است.»^{۱۳}

آری، آنها پیروان راستین حضرت علی علیه السلام می‌باشند که آن قدر در ایمان به خدا رشد کرده‌اند که توانسته‌اند، بهشت را مشتاق دیدار خود بنمایند.

آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که بهشت مشتاق شما شود؟

آیا به راستی ما می‌توانیم، چنین کاری را بکنیم؟

اگر چه اشتیاقی که بهشت به سلمان و ابوذر دارد، هزاران برابر اشتیاق آن به ما است ولی به هر حال اگر بهشت به مقدار کمی هم به ما اشتیاق

داشته باشد خیلی ارزش دارد.

خوب، دیگر وقت آن است که سخن امام کاظم علیه السلام را برای تو نقل کنم:
«همانا بهشت مشتاق کسی می شود که مسجد را جارو بزند و در پاکیزگی
آن بکوشد».^{۱۴}

عزیز دلم! مسجد خانه خدا است و آن قدر عزیز است و حرمت دارد
که اگر کسی در پاکیزگی آن بکوشد، بهشت به او عشق می ورزد. وقتی به
مسجد می روی و جارو دست می گیری تا آن جا را برای بندگان خوب
خدا تمیز کنی، آن قدر نزد خدا مقام پیدا می کنی و آن قدر عزیز می شوی
که بهشت آرزوی وصال تو را می کند!

یادم نمی رود، ماه رمضان سال قبل به مسجدی رفته بودم ولی آن
مسجد مرتب و منظم نبود. عده ای از جوانان را جمع نمودم و برای آنان
همین مطلب را بیان کردم و خدا می داند که چه شوقی در وجود آن
جوانان شعله زد و چه عشقی به نظافت مسجد پیدا نمودند.

فردا که مردم به مسجد آمدند، دیدند که مسجد مثل دسته گل شده
است. اگر همه مردم ما به این سخن امام کاظم علیه السلام عمل می کردند
مسجدهای ما همیشه غرق پاکیزگی و تمیزی بود.

مسجدي که دلش تنگ می‌شود!

وقتی رفیق بسیار عزیز تو به مسافرت می‌رود، چقدر دلتنگ او می‌شوی؟ همیشه به او می‌اندیشی و دعا می‌کنی که زودتر او را ببینی. وقتی او از سفر برمی‌گردد، آن قدر خوشحال می‌شوی که گویی همه دنیا را به تو داده‌اند و در پوست خود نمی‌گنجی.

آیا ما فقط دلتنگ عزیزان خود می‌شویم؟ نه!

پیامبر ﷺ در سخن خود به این نکته اشاره می‌کند که چون یکی از افراد مسجدي مدّتی به مسجد نرود، مسجد دلتنگ او می‌شود و چون به مسجد برگردد، مسجد شاداب می‌شود! ۱۵

مگر قرآن از تسبیح گفتن همه موجودات سخن نمی‌گوید؟! مگر مسجد هم در دنیای خود، تسبیح خدا را نمی‌کند؟!

همان طور مسجد هم در دنیای خود از دیدن اهل خود شاد می‌شود و غرق سرور می‌شود.

آری، مسجد خانه خدا است و در دنیای خود از حضور مردم دلشاد و

از بی‌اعتنایی مردم ناراحت می‌شود!
آیا شما هم با من موافقید که وقتی مسجد در این دنیا نتواند دوری
دوستان خود را تحمّل کند، حتماً روز قیامت هم نخواهد توانست دوری
دوستان خود را متحمّل شود.
آری، روز قیامت این مسجد خواهد بود که شفاعت دوستان خود را
خواهد نمود.
پس بکشیم که همواره به دنبال آن باشیم که خانه خدا برای ما دعا کند
و از ما شاد باشد.

فرشتگانی که یاریت می‌کنند!

آیا می‌خواهید در زندگی، همواره یار و یاور داشته باشید؟
آیا دوست دارید که فرشتگان در مراحل مختلف زندگی به یاری شما
بشتابند؟

به راحتی چگونه می‌توان با فرشتگان رفیق شد و از نیروهای غیبی آنها
کمک گرفت.

من راهی را می‌شناسم که اگر به آن عمل کنید، می‌توانید دوستی و
همکاری فرشتگان را به سوی خود جذب کنید.

پیامبر ﷺ فرمود: «کسانی که همواره به مسجد می‌روند، فرشتگان
همنشین آنها می‌باشند، چون بیمار شوند به عیادت آنها می‌روند و در
هنگامی که به دنبال انجام کاری هستند، آنها را یاری می‌کنند».^{۱۶}

با حضور در مسجد می‌توانید با فرشتگان دوست شوید و یاری آنها را
برای موفقیت خویش طلب کنید.

آنها شما را در سخت‌ترین شرایط زندگی یاری خواهند نمود، چرا که

شما اهل مسجد هستید و آنان کمک کردن به شما را برای خود افتخاری
بزرگ می‌دانند.

خوشا به حال اهل مسجد که فرشتگان درگاه الهی همراه، همیار و
همنشین آنهایند.

دل در گرو عشق مسجد!

من چه کنم، چگونه از دام شیطان نجات پیدا کنم؟
شیطان هر روز وسوسه‌ام می‌کند، می‌ترسم که در گرداب گناه گرفتار
شوم.

آیا شما راهی را می‌شناسید که به شما کمک کند تا بتوانید ایمان خود را
قوی کنید و از وسوسه‌های شیطان نجات پیدا کنید.
آیا می‌دانید که حضور در مسجد یکی از بهترین راه‌های نجات یافتن
از وسوسه‌های شیطان است.

پیامبر ﷺ به ابوذر می‌فرماید:

ای ابوذر! زیاد به مسجد رفتن باعث می‌شود تا ایمان تو تقویت
شود و از وسوسه‌های شیطان نجات پیدا کنی.
ای ابوذر! خداوند به من فرمود: «من بندگانی را که به مسجد
عشق می‌ورزند بیش از همه دوست دارم، کسانی که در دل شب به
عبادت می‌پردازند».^{۱۷}

آری، مسجد خانه خدا است و تو می‌توانی با عشق وزریدن به این خانه، نزد خدا عزیز شوی!

خدا عشق تو به خانه‌اش را می‌بیند و در مقابل این عشق مقدّس، تو را بیش از همه دوست می‌دارد و رحمت و مهربانی خود را به تو نازل می‌کند.

به راستی اگر اهل مسجد فقط و فقط، همین عشق الهی را به دست آورند و به سوی خود جذب کنند، دیگر هیچ چیز کم ندارند.

چه نفس‌های با برکتی!

مسجد خانه دوست است و تو در آن هنگام که در مسجد حضور پیدا می‌کنی، مهمان او هستی و نزد او بسیار عزیز می‌باشی. شاید بگویی، خوب معلوم است هر کس که به مسجد برود و به عبادت خدا مشغول شود و نماز بخواند، خدا او را دوست دارد و به او محبت می‌کند اما من در اینجا می‌خواهم، نکته دیگری را بگویم و آن این که خدا این حضور در مسجد را دوست دارد، حتی اگر کسی در مسجد نماز نخواند!

آیا این سخن پیامبر ﷺ را شنیده‌ای؟

ای ابوذر! وقتی در مسجد حضور داری به اندازه هر نفسی که می‌کشی، خداوند مقام تو را در بهشت یک درجه بالا می‌برد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند. به هر نفس تو در مسجد، خداوند ده حسنه و عمل نیکو در نامه اعمال تو می‌نویسد و ده گناه تو را می‌بخشد.^{۱۸}

به راستی مسجد نزد خدا چقدر عزیز است که برای هر نفس کشیدن تو این همه ثواب قرار می‌دهد.

حضور تو در مسجد آن چنان مایه خوشحالی و سرور فرشتگان می‌شود که بر تو درود و صلوات می‌فرستند.

بی‌جهت نیست که چون از مسجد بیرون می‌آیی و به دنبال کار و کسب خویش می‌روی، این قدر برکت به سوی تو می‌آید، چون درود فرشتگان همراه تو است.

به راستی آنان که با مسجد و خانه خدا قهرند، خود را از چه فیض بزرگی محروم کرده‌اند و آنان که با مسجد رفیق هستند، چه سعادت عظیمی را نصیب خود کرده‌اند.

ما شکایت داریم!

روز قیامت شده است و همهٔ مردم برای حسابرسی جمع شده‌اند.
هر کسی در فکر است که آیا نجات خواهد یافت؟
در این میان صدایی به گوش می‌رسد: «خدایا! مرا تحریف کردند».
این صدای کیست؟ این قرآن است که به نزد خدا شکایت می‌کند که
چگونه آیات مرا تحریف کردند.

صدای دیگری می‌آید: «خدایا! به من اعتنا نکردند». این صدا از
کیست؟ این مسجد است که شکایت می‌کند. مسجدی که در محلی بوده
و اهل محل به آن توجهی نمی‌کردند و برای خواندن نماز در آن جا
حاضر نمی‌شدند.

خدایا! احترام مرا نگرفتند. من از مردمی که اطراف من بودند، شکایت
می‌کنم. خداوند سخن آن مسجد را می‌شنود که چگونه از بی‌توجهی
مردم گله‌مند است.

ای خدا! من خانهٔ تو بودم و این مردم حرمتِ خانهٔ تو را نگاه نداشتند.

صدای دیگری هم به گوش می‌رسد: «خدایا! خون ما را به ناحق ریختند». این صدای اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام است.^{۱۹}

مگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد خاندان خویش به امت اسلام توصیه‌ی زیادی نکرد اما امت مسلمان، بعد از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خاندان وحی، ظلم زیادی کردند.

دوست من! قرآن، مسجد و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام از امت اسلام شکایت خواهند نمود.

از این روایت معلوم می‌شود که قرآن، مسجد و اهل بیت علیهم‌السلام سه رکن اساسی در مکتب اسلام هستند.

ما باید به این سه رکن توجه داشته باشیم و هرگز در مورد آنها کوتاهی نکنیم.

نکند قرآن در زندگی ما کم‌رنگ شود که در این صورت روز قیامت از ما شکایت خواهد کرد.

نکند که مسجد را فراموش کنیم و گرفتار شکایت او در روز قیامت شویم. نکند با معارف اهل بیت علیهم‌السلام بیگانه شویم.

پناهگاه من کجا است؟

حتماً شنیده‌ای که آفتابِ روز قیامت بسیار جانشوز است و آنجا هیچ سایه‌ای وجود ندارد، مگر سایهٔ رحمت خدا.

خداوند گروهی از بندگانش را در سایهٔ عرش خویش قرار می‌دهد به گونه‌ای که حتی آن آفتاب سوزان، آنها را آزار نمی‌دهد.

حضرت موسی علیه السلام که در مورد آفتابِ روز قیامت، مطالبی را شنیده بود به خداوند عرضه داشت: «خدایا! روز قیامت چه کسانی را در سایهٔ عرش خود جای می‌دهی؟».

و خداوند در جواب حضرت موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! کسانی که قلب‌های پاکی دارند و در دنیا به طاعت و بندگی من دل خوش هستند و به مسجدها پناه می‌برند، همان طور که پرندگان به لانه‌هایشان پناه می‌برند و همواره از گناه دوری می‌کنند.»^{۲۰}

شما فکر می‌کنید اگر این ویژگی‌ها در کسی وجود داشته باشد، فقط در

روز قیامت در سایه رحمت خدا خواهد بود؟

نه، آن کس که قلب پاکی دارد و از دیگران کینه به دل ندارد و به طاعت خدا دل خوش کرده است در همین دنیا هم در سایه رحمت خدا است. در این عصر فولاد و ماشین که انسان‌ها به دنبال آرامش هستند آن کس که به مسجد پناه می‌برد به آرامش واقعی رسیده است.

پرنندگان را دیده‌ای که چگونه در لانه خویش در کمال آرامش هستند؟ روح من و تو هم فقط در سایه مسجد است که آرام می‌شود و گمشته خود را می‌یابد.

هیچ چیز نمی‌تواند روح جستجوگر آدمی را آرام کند مگر پناه بردن به آن چیزی که خدا آن را مایه آرامش قرار داده است.

خوب است اشاره کنم به این که اگر ما به دنبال عرفان واقعی هستیم و می‌خواهیم به خدا نزدیک شویم باید آن را در خانه او بیابیم.

به راستی چه شده است که عده‌ای روز و شب به دنبال خدا می‌دوند و سر از عرفان‌های آن چنانی در می‌آورند اما با خانه دوست هیچ آشنایی ندارند!

کسانی که ادعا می‌کنند، عارف هستند و جوانان ما را به سوی خود جذب می‌کنند، چرا با خانه دوست بیگانه‌اند.

برای همین است که این عرفان‌نماها نمی‌توانند، مایه آرامش شوند، چرا که خداوند آرامش را در خانه خویش نهاده است و این پذیرایی را از کسانی می‌کند که در خانه او مهمانش شوند.

فرشتگان برای تو استغفار می‌کنند

حتماً شنیده‌ای که بهترین فرشتگان در عرش خدا ساکن هستند و در آن جا مشغول عبادت می‌باشند.

آیا می‌خواهی راهی یادتان بدهم تا آن فرشتگان برای شما استغفار کنند؟

آیا بار گناه بر دوشت سنگینی می‌کند؟ آیا احساس می‌کنی که گناهان باعث تیرگی وجود تو شده‌اند؟

تو هر چه زودتر باید این گناهان را از پرونده اعمال بزدايي تا بتوانی با خدای خویش سخن بگویی.

به راستی چگونه می‌توان نظر مهربانی فرشتگان عرش را به سوی خود جذب کرد به طوری که آنان برای ما دعا کنند و برای آمرزش گناهان ما از خداوند طلب رحمت کنند؟

بشتاب و این دستور رسول خدا ﷺ را انجام بده تا فرشتگان برای تو استغفار کنند و خداوند به برکت دعای آنها گناهان تو را ببخشد.

کسی که در مسجد چراغی روشن نماید تا آن زمان که آن چراغ روشن باشد فرشتگان عرش برای او استغفار می‌کنند.^{۲۱}

اکنون برخیز!

اگر مسجد نیاز به لامپ دارد آن را خریداری کن.

کار دیگری هم می‌توانی بکنی، در پول قبض برق مسجد شریک شو. تو خانه خدا را روشن می‌کنی، خدا هم چراغ دلت را روشن می‌کند. وقتی تو باعث روشنایی مسجد می‌شوی، خدا هم که می‌بیند گناهان تمام قلب تو را تاریک کرده‌اند، به فرشتگان خود دستور می‌دهد تا برای تو دعا کنند و با دعای آنها است که رحمت خدا به سوی تو نازل می‌شود و آنگاه قلب تو روشن و نورانی می‌شود و تو به آرامش می‌رسی، چرا که دعای فرشتگان می‌تواند، هر دل بیمار را شفا دهد.

باغی بهتر از بهشت!

درختانی سر به فلک کشیده و نه‌رهایی از عسل و شیر و آب!
هر چه اراده کنی برای تو آماده است. این جا هیچ غم و اندوهی نیست
و دل تو همواره شاد است. این جا بهشت است که وصف آن را شنیده‌ای.
همه آرزو دارند که بهشت جاودان، منزل و مأوای آنها باشد اما من
کسی را می‌شناسم که مکانی در این دنیا را بیشتر از بهشت دوست دارد.
آن شخص حضرت علی علیه السلام می‌باشد که مسجد را بیش از بهشت
دوست دارد!

آن حضرت می‌فرماید: «حضور من در مسجد برای من بهتر از بهشت
است، چرا که چون در بهشت قرار گیرم به آرزوی خود رسیده‌ام و
خوشحال شده‌ام اما هنگامی که در مسجد هستم خدا از من خشنود
است، معلوم است که خشنودی خدا بهتر از خشنودی من است».^{۲۲}
آیا ما هم می‌توانیم به آن جا برسیم که نشستن و حضور در مسجد را

بہتر از بہشت بدانیم.

مگر مسجد خانہ خدا نیست؟

اما من تا بہ حال در ہیچ مدرک معتبری نیافتم کہ بہشت را بہ عنوان خانہ خدا معرفی کردہ باشند!

آری، مسجد خانہ خدا است و بہشت خانہ بندگان خدا. مسجد خانہ یار است و بہشت خانہ دوستان یار.

بی جہت نیست کہ مولای ما مسجد را بیش از بہشت دوست می دارد. چرا کہ اگر با چشم دل ببینی در مسجد است کہ تو با مہربانی و رحمت خاص خدا پذیرایی می شوی.

تو در این دنیای خاکی، دل از خاک می کنی و تا افلاک پرواز می کنی. مسجد برای ہواپیمای قلب تو چون باند پروازی است کہ از آن می توانی تا آبی آسمان ہا پرواز کنی.

در بہشت کہ دیگر تکلیف و قانون نیست، آن جا بہ خوبی ہای تو مزد و پاداش می دهند، در آن جا دیگر نتیجہ امتحان خود را می بینی، اما چون بہ مسجد می روی، تو یک انتخاب کردہ ای، از میان ہمہ جاہای باصفای این دنیا، مسجد را انتخاب کردہ ای.

ہمین انتخاب زیبای تو است کہ باعث می شود، محبوب فرشتگان بشوی و دریایی از رحمت خدا را بہ سوی خود جذب کنی.

مهمان را احترام کن!

یک روز پیامبر ﷺ به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام رو کرد و فرمود: «ای فاطمه! هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمان را احترام نماید.»^{۲۳}

آری، این دستور اسلام است که ما باید احترام مهمان خود را بگیریم، چرا که مهمان، برای صاحب خانه مایه رحمت و برکت است. از طرف دیگر امام صادق علیه السلام در سخنی می فرماید: «کسی که در مسجد نماز بخواند و به انتظار نماز بعدی بنشیند، او مهمان خدا است و بر خداوند است که به مهمان خود اکران نماید.»^{۲۴}

آری، خدایی که خود دستور داده است تا ما از مهمان احترام بگیریم، آیا می شود که مهمانان خود را فراموش کند؟ وقتی برای خواندن نماز جماعت به مسجد می روی و نماز مغرب را می خوانی و منتظر می مانی تا نماز عشا شروع شود باید بدانی که این لحظات بین دو نماز بهترین لحظات عمر تو می باشد.

تو در این لحظات، مهمان خدا هستی و خداوند با مهربانی و رحمت
خویش از تو پذیرایی می کند.
مبادا خودت را از فیض این مهمانی محروم کنی.
مسجد و نماز جماعت می توانند آن قدر مقام تو را بالا ببرند که
فرشتگان حسرت آن مقام تو را بخورند.
تلاش کن تا همواره در این مهمانی خدا شرکت کنی و بر سر سفره
رحمت او بنشینی و به این وسیله پله های کمال و معنویت را طی کرده،
در زمره بندگان خاص او قرار گیری.

رحمت من شامل حال تو نمی‌شود!

یک روز شخص محترمی به نزد من آمد و در مورد مشکلات زندگی خود با من سخن گفت.

ظاهراً در زندگی او مشکلات زیادی وجود داشت و او به هر دری زده بود، نتوانسته بود این مشکلات را برطرف نماید.

او می‌گفت: «هر دعایی که فکر کنید، خوانده‌ام؛ هر کار خیری که به ذهنم می‌رسیده است، انجام داده‌ام اما نمی‌دانم چرا این گره از زندگی من باز نمی‌شود و من مدت‌هاست که در تنگنا قرار دارم، مثل اینکه خدا با من قهر کرده است. هر چه صدایش می‌زنم، جواب مرا نمی‌دهد! آخر چه کنم؟».

من خیلی متعجب شدم، چه کمکی به او می‌توانستم بکنم، او راه‌های زیادی را رفته بود و نتیجه نگرفته بود.

پیش خودم گفتم: خدایا! کمک کن تا مشکل این بنده تو را حل کنم. یک دفعه به ذهنم رسید از او سؤال کنم که خانه شما کجا است و در

کدام محل زندگی می‌کنی؟

وقتی او آدرس خانه‌اش را داد، فهمیدم که خانه او در نزدیکی مسجدی قرار دارد.

از او سؤال کردم: آیا به مسجد محل می‌روی؟

معلوم شد که او سالهای سال است به مسجد نرفته است. من برای او سخن امام صادق علیه السلام را گفتم: «مسجد نزد خدا از همسایگان خود شکایت نمود که آنها به من بی‌اعتنا هستند».

و خداوند فرمود: «به عزّت و جلالم، من نماز آنها را قبول نمی‌کنم و هرگز رحمت خود را بر آنان نازل نخواهم نمود».^{۲۵}

آری، مسجد عزیز است و حرمت دارد و خود خدا قسم خورده است که هر کس به مسجد بی‌اعتنا باشد، او را از رحمت و مهربانی خود دور می‌کند!

مهربانی خدا با ناراحتی مسجد جمع نمی‌شود. کسی که خانه‌اش در نزدیکی مسجد باشد و بدون عذر در مسجد حاضر نشود، نمازش مورد قبول خدا واقع نمی‌شود.^{۲۶}

نمی‌شود به مسجد که خانه خدا است، بی‌اعتنا باشیم و توقع داشته باشیم که مورد مهربانی صاحب خانه قرار گیریم.

آری، کسی که به مسجد بی‌اعتنا باشد از رحمت خدا دور است!^{۲۷} به آن مرد گفتم: «تو روزی چند بار از کنار این مسجد رد می‌شوی، این مسجد در نزدیکی خانه تو است و تو به آن بی‌اعتنا هستی، برای همین است که هر چه خدا را صدا می‌زنی، جوابت را نمی‌دهد».

او سرش را پایین انداخت و به فکر فرو رفت.
حدود یک ماه از این جریان گذشت که دوباره آن مرد به خانه من آمد،
در حالی که بسیار شاداب بود و روی دستانش جعبه شیرینی قرار داشت.
او آمده بود تا از رفع مشکل بزرگِ خویش سخن بگوید: «از آن روزی
که پیش شما بودم، عهد کرده‌ام که روزی یک بار به مسجد بروم و چقدر
زود خدا مشکل مرا برطرف نمود».

دوازده نکته

۱. آیا می‌دانید چرا در اسلام این همه تأکید برای احترام گرفتن از مسجد شده است؟

همین سؤال را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام می‌پرسد و این چنین جواب می‌شنود: «همانا مردم به احترام گرفتن از مسجد امر شده‌اند، چرا که مسجد خانه خدا می‌باشد».^{۲۸}

۲. چون به مسجد داخل شدی، بسم الله بگو و حمد و ستایش خدا را بنما، چرا که توفیق پیدا کرده‌ای، در خانه او حضور پیدا کنی و مهمان او شوی و بر حضرت محمد و آل او علیهم السلام درود و صلوات بفرست و از خدا بخواه که تو را در رحمت خویش داخل نماید.^{۲۹}

۳. هنگام ورود به مسجد این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ - بارخدایا! مرا ببخشای و

درهای رحمت را به روی من باز گردان.

چون خواستی از مسجد بیرون روی این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ.

بار خدایا! مرا ببخشای و درهای فضل خود را به رویم

بگشای.^{۳۰}

۴. سعی کن هنگام ورود به مسجد با پای راست داخل شوی و هنگام

خروج با پای چپ خارج شوی.^{۳۱}

۵. چون نماز خویش را در مسجد خواندی و از مسجد خارج شدی

کنار در مسجد بایست و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَصَلَّيْتُ مِكتُوبَكَ وَأَنْتَشَرْتُنِي فِي
أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ، وَاجْتِنَابِ
مَعْصِيَتِكَ، وَالْكَفَافِ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.

بار خدایا! تو مرا دعوت کردی و من دعوت تو را لبیک گفتم و

نماز بجای آوردم و اکنون به زندگی خویش برمی‌گردم، از تو

اطاعت و بندگی را می‌خواهم و توفیق دوری کردن از گناه را به من

کرم کن و رزق و روزی به مقدار مورد نیازم به من کرم نما.^{۳۲}

۶. شخصی که به مسجد می‌آید برای ارتباط با خدا نیاز به تمرکز دارد

تا بتواند قدری از هیاهوی زمانه جدا شود و به درون خود نگاهی کند و با

خدای مهربان خویش ارتباطی برقرار کند، برای همین منظور در روایات

از بلند کردن صدا در مسجد به شدت نهی شده است.^{۳۳}

۷. مسجد سمبل رحمت خدا می‌باشد و برای همین باید از همراه

داشتن سلاح در مسجد خودداری شود.^{۳۴}

۸. خداوند در سخنی به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «ای عیسی! به مردم بگو با دل‌هایی پاک و با تواضع و فروتنی وارد خانه من شوند».^{۳۵} آری، ما باید دقت کنیم، هنگامی که وارد مسجد می‌شویم، قلب خویش را از کینه‌ها و دشمنی‌ها بزدااییم، در مقابل خدای خویش تواضع نماییم و بیچارگی خود را مقابل او اعلام کنیم، باشد که مشمول رحمت او قرار گیریم.

۹. تا چهل خانه از هر طرف، همسایه مسجد محسوب می‌شوند و باید برای مسجد حق همسایگی را حفظ نمایند.^{۳۶}

۱۰. دقت کنیم که مسجد خانه خدا است و در آن جا یا باید به دنبال علم و کسب آگاهی بود و یا به عبادت مشغول بود، برای همین حرف زدن در مسجد پیرامون امور بیهوده به شدت نهی شده است.^{۳۷} آری، سخن بیهوده در مسجد گفتن، باعث از بین رفتن ثواب کارهای خوب انسان می‌شود.^{۳۸}

۱۱. توصیه شده است که هرگاه انسان به مسجدی وارد شد در آن مسجد دو رکعت نماز به نیت نماز تحیت مسجد بخواند و همواره رو به قبله بنشیند.^{۳۹}

۱۲. برای ساختن مسجد، ثواب بسیار زیادی ذکر شده است و هر کس در این دنیا مسجدی بنا کند، خداوند به اندازه هر وجب این مسجد، در بهشت شهر بزرگی به او کرم خواهد نمود.^{۴۰}

بي نوشتها

١. عن الأصبع بن نباتة، عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه كان يقول: «من اختلف إلى المسجد أصاب إحدى الثمان: أخاً مستفاداً في الله، أو علماً مُستطرفاً، أو آيةً محكمة، أو رحمةً منتظرة، أو كلمةً تردّه عن ردى، أو يسمع كلمة تدلّه على هدى، أو يترك ذنباً خشيةً أو حياءً»: الأمالي للصدوق ص ٤٧٤، الخصال ص ٤٠٩، ثواب الأعمال ص ٢٧، تهذيب الأحكام ج ٣ ص ٢٤٩، الأمالي للطوسي ص ٤٣٢، وسائل الشيعة ج ٥ ص ١٩٧.
٢. «كان من خاصّة أمير المؤمنين عليه السلام وعمّر بعده»: رجال النجاشي ص ٨، فهرست الطوسي ص ٨٨، اختيار معرفة الرجال ص ٥، خلاصة الأقوال ص ٧٧، معجم رجال الحديث ج ٤ ص ١٣٢.
٣. عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال في خطبةٍ طويلة: «من مشى إلى مسجدٍ من مساجد الله، فله بكلّ خطوة خطاها حتّى يرجع إلى منزله عشر حسنات، ويمحي عنه عشر سيئات، ويرفع له عشر درجات...»: ثواب الأعمال ص ٣٩١، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٠١، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٣٧٠، جامع أحاديث الشيعة ج ٤ ص ٤٤٨.
٤. عن معاوية بن عمّار، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «كان إذا طلب الحاجة طلبها عند زوال الشمس، فإذا أراد ذلك قدّم شيئاً فتصدّق به، وشمّ شيئاً من طيب، وراح إلى المسجد فدعا في حاجته بما شاء»: الكافي ج ٢ ص ٤٧٧، مكارم الأخلاق ص ٢٧١، عدّة الداعي ص ٤٨، وسائل الشيعة ج ٧ ص ٦٧.
٥. عن الفضل البقباق، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا يرجع صاحب المسجد بأقلّ من إحدى ثلاث: إمّا دعاء يدعو به يدخله الله به الجنّة، وإمّا دعاء يدعو به فيصرف الله عنه بلاء الدنيا،

وإمّا أخ يستفيده في الله عزّ وجلّ...»: بشارة المصطفى ص ١٢٣، وسائل الشيعة ج ٥ ص ١٩٣، جامع أحاديث الشيعة ج ٤ ص ٤٣٦.

٦. عن الأصمغ بن نباتة، قال: «قال رسول الله ﷺ لأمير المؤمنين عليه السلام: إنّ الله عزّ وجلّ ليهمّ بعذاب أهل الأرض جميعاً لا يحاشي منهم أحداً إذا عملوا بالمعاصي واجترحوا السيئات، فإذا نظر إلى الشيب ناقلني أقدامهم إلى الصلاة، والولدان يتعلّمون القرآن، رحمهم فأخر ذلك عنهم...»: ثواب الأعمال ص ٢٨، علل الشرائع ج ٢ ص ٥٢١، مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٦٥، الحدائق الناضرة ج ٧ ص ٢٦٥.

٧. قال رسول الله ﷺ: «قال الله تبارك وتعالى: ألا إنّ بيوتني في الأرض المساجد، تضيء لأهل السماء كما تضيء النجوم لأهل الأرض، ألا طوبى لمن كانت المساجد بيوته، ألا طوبى لعبدٍ توضأ في بيته ثمّ زارني في بيتي، ألا إنّ على المزور كرامة الزائر، ألا بشر المشائين في الظلمات إلى المساجد بالنور الساطع يوم القيامة...»: المحاسن ج ١ ص ٤٧، ثواب الأعمال ص ٢٨، بحار الأنوار ج ٨١ ص ١٤، وروى جزء منه في فيض القدير ج ٢ ص ٥٦٤.

٨. قال رسول الله ﷺ لجبرئيل: «أيّ البقاع أحبّ إلى الله تبارك وتعالى؟ قال: المساجد، وأحبّ أهلها إلى الله أولهم دخولاً إليها، وآخرهم خروجاً منها. قال: فأيّ البقاع أبغض إلى الله تعالى؟ قال: الأسواق، أبغض أهلها إليه أوله دخولاً إليها وآخرهم خروجاً منها...»: الكافي ج ٣ ص ٤٨٩، مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٤٣٤، الأمالي للطوسي ص ١٤٥.

٩. براي اطلاع از آثار گناهان مراجعه کنید به: وسائل الشيعة ج ١٦ ص ٤٥، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٣٠٤.

١٠. الإمام الصادق عليه السلام: «عليكم بإتيان المساجد، فإنّها بيوت الله في الأرض، ومن أتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه، وكتب من زوّاره، فأكثرها فيها من الصلاة والدعاء، وصلّوا من المساجد في بقاع مختلفة، فإنّ كلّ بقعة تشهد للمصلّي عليها يوم القيامة»: الأمالي للصدوق ص ٤٤٥، روضة الواعظين ص ٣٣٧، وسائل الشيعة ج ١ ص ٣٧٥، بحار الأنوار ج ٧٧ ص ٣٠٨.

- ١١ . جريان توبه ابو لبابه بسيار مشهور است مراجعه كنيد: مسند أحمد ج ٦ ص ١٤٢، مجمع الزوائد ج ٦ ص ١٣٧، فتح الباري ج ٧ ص ٣١٨، كنز العمال ج ١٣ ص ٤٠٨.
- ١٢ . الإمام الصادق عليه السلام: «صلّوا من المساجد في بقاع مختلفة، فإنّ كلّ بقعة تشهد للمصلّي عليها يوم القيامة»: الأمالي للصدوق ص ٤٤٠، بحار الأنوار ج ٧٧ ص ٣٠٨.
- ١٣ . عن أمير المؤمنين عليه السلام، عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «الجنة تشاق إليك وإلى عمّار وسلمان وأبي ذر ومقداد»: الخصال ص ٣٠٣، عيون أخبار الرضا بحار الأنوار ج ٢٢ ص ٣٢٥.
- ١٤ . سمعت أبا الحسن عليه السلام يحدث عن أبيه: إنّ الجنة والحدود تشاق إلى من يكسح المساجد ويأخذ منها القذى»: مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٨٥، بحار الأنوار ج ٨٠ ص ٣٨٢.
- ١٥ . عن أمير المؤمنين عليه السلام: «إنّ المسجد ليشتكو الخراب إلى ربّه، وإنّه ليتبشش من عمّاره إذا غاب عنه ثمّ قدم، كما يتبشش أحدكم بغائبه إذا قدم عليه»: دعائم الإسلام ج ١ ص ١٤٨، بحار الأنوار ج ٨٠ ص ٣٨٠.
- ١٦ . عن النبي صلى الله عليه وآله: «إنّ للمساجد أوتاداً، الملائكة جلسائهم، إذا غابوا افتقدوهم، وإن مرضوا عادوهم، وإن كانوا في حاجة أعانوهم»: المجازات النبوية ص ٤١٢، مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٥٨، مسند أحمد ج ٢ ص ٤١٨، المستدرک للحاكم ج ٢ ص ٣٩٨، الدرّ المشهور ج ٣ ص ٢١٦.
- ١٧ . عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «... يقول الله تعالى إنّ أحبّ العباد إليّ المتحابّون بجلالي المتعلّقة قلوبهم بالمساجد، المستغفرون بالأسحار، أولئك إذا أردت بأهل الأرض عقوبة ذكرتهم فصرفت العقوبة عنهم...»: مكارم الأخلاق ص ٤٦٧، بحار الأنوار ج ٨٠ ص ٣٧٠.
- ١٨ . عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا أبا ذرّ، إنّ الله تعالى يعطيك مادمت جالساً في المسجد بكلّ نفس تنفّس فيه درجة في الجنة، وتصلّي عليك الملائكة، ويكتب لك بكلّ نفس تنفّست فيه عشر حسنات، ويمحي عنك عشر سيئات...»: مكارم الأخلاق ص ٤٦٧، الحدائق الناضرة ج ٧ ص ٢٦٦، بحار الأنوار ج ٧٤ ص ٨٦.

١٩. عن النبي ﷺ: «يجيء يوم القيامة ثلاثة يشكون: المصحف، والمسجد، والعترة؛ يقول المصحف: يا ربِّ حرِّقوني ومزقوني، ويقول المسجد: يا ربِّ عطِّلوني وضيِّعوني، وتقول العترة: يا ربِّ قتلونا وطردونا وشرَّدونا، فأجثوا للركبتين في الخصومة، فيقول الله لي: أنا أولى بذلك»: الخصال ص ١٧٥، عيون الحكم والمواعظ ص ٢١٤، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٥٢.
٢٠. عن علي بن الحسين ﷺ: «قال موسى بن عمران ﷺ: يا ربِّ مَنْ أهلك الذين تظلمهم في ظلِّ عرشك يوم لا ظلَّ إلا ظلك؟ قال: فأوحى الله إليه: الطاهرة قلوبهم، والتربة أيديهم، الذين يذكرون جلالي إذا ذكروا ربِّهم، الذين يكتفون بطاعتي كما يكتفي الصبي الصغير باللبن، الذين يأوون إلى مساجدي كما تأوي النسور إلى أوكارها، والذين يغضبون لمحارمي إذا استحلَّت، مثل النمر إذا حرِّد»: المحاسن ج ١ ص ١٦، مشكاة الأنوار ص ٢٥٤، مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٦١.
٢١. عن رسول الله ﷺ: «من أسرج في مسجد من مساجد الله سراجاً، لم تنزل الملائكة وحملة العرش يستغفرون له مادام في ذلك المسجد ضوء من السراج»: ثواب الأعمال ص ٢٩، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٢٣٧، تهذيب الأحكام ج ٣ ص ٢٦١، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٤١.
٢٢. أمير المؤمنين ﷺ: «الجلسة في الجامع خير لي من الجلسة في الجنة، فإنَّ الجنة فيها رضا نفسي، والجامع فيها رضا ربِّي»: عدَّة الداعي ص ١٩٤، بحار الأنوار ج ٨٥ ص ٣٦٢.
٢٣. عن الإمام الصادق ﷺ: «مما علم رسول الله ﷺ فاطمة ﷺ أن قال لها: يا فاطمة، من كان يؤمن بالله واليوم الآخر، فليكرم ضيفه»: الكافي ج ٦ ص ٢٨٥، وسائل الشيعة ج ٢٤ ص ٣١٩؛ رسول الله ﷺ: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر، فليكرم ضيفه»: مسند أحمد ج ٢ ص ١٧٤، صحيح البخاري ج ٧ ص ٧٩، صحيح مسلم ج ١ ص ٤٩، سنن أبي داود ج ٢ ص ١٩٧، سنن الترمذي ج ٣ ص ٢٣٣، السنن الكبرى ج ٥ ص ٧٨، المعجم الأوسط ج ٣ ص ٢٥١، المعجم الكبير ج ٤ ص ١٢٤، شرح نهج البلاغة ج ١١ ص ١٨٩، الجامع الصغير ج ٢ ص ٦٣٩، تاريخ

دمشق ج ٣٨ ص ٣٩٨.

٢٤. الإمام الصادق عليه السلام: «من أقام في مسجد بعد صلاته انتظاراً للصلاة، فهو ضيف الله، وحقّ على الله أن يكرم ضيفه»: المحاسن ج ١ ص ٤٨، وسائل الشيعة ج ٤ ص ١١٨، بحار الأنوار ج ٨١ ص ٣.

٢٥. الإمام الصادق عليه السلام: «شكت المساجد إلى الله تعالى الذين لا يشهدونها من جيرانها، فأوحى الله عزّ وجلّ إليها: وعزّتي وجلالي، لا قبلت لهم صلاة واحدة، ولا أظهرت لهم في الناس عدالة، ولا نالتهم رحمتي، ولا جاوروني في جنتي»: الأمالي للطوسي ص ٦٩٦، بحار الأنوار ج ٨٥ ص ٣٤٨.

٢٦. أمير المؤمنين عليه السلام: «ليس لجار المسجد صلاة إذا لم يشهد المكتوبة في المسجد، إذا كان فارغاً صحيحاً»: قرب الإسناد ص ١٤٥، وسائل الشيعة ج ٥ ص ١٩٥.

٢٧. الإمام الصادق عليه السلام: «ملعون ملعون من لم يوقر المسجد، تدري يا يونس لم عظم الله حقّ المساجد، وأنزل هذه الآية: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾؟ كانت اليهود والنصاري إذا دخلوا كنائسهم أشركوا بالله تعالى، فأمر الله سبحانه نبيّه أن يوحد الله فيها ويعبّده»: كز الفوائد ص ٦٤، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٣٥٥.

٢٨. عن أبي بصير: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن العلة في تعظيم المساجد؟ فقال: إنّما أمر بتعظيم المساجد؛ لأنها بيوت الله في الأرض»: علل الشرائع ج ٢ ص ٣١٨، بحار الأنوار ج ٨١ ص ٦.

٢٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: «إذا دخلت المسجد فقل: بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله... اللهم اغفر لي وافتح أبواب فضلك»: ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة ج ٣ ص ١٣٥، المعترض ج ٢ ص ٤٤٩، الحدائق الناظرة ج ١٦ ص ١١٩، جامع المقاصد ج ٢ ص ١٤٣، مجمع الفائدة والبرهان ج ٢ ص ١٥٥، مدارك الأحكام ج ٤ ص ٣٩٥، جواهر الكلام ج ١٤ ص ٨١.

٣٠. «إذا دخلت المسجد فقل: اللهم اغفر لي وافتح أبواب رحمتك، وإذا خرجت فقل: اللهم اغفر لي وافتح أبواب فضلك»: تهذيب الأحكام ج ٣ ص ٢٦٣، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٤٥.

٣١. عن يونس، عنهم عليه السلام، قال: الفضل في دخول المسجد أن تبدأ برجلك اليمنى إذا دخلت، وباليسرى إذا خرجت»: الكافي ج ٣ ص ٣٠٨، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٤٦.
٣٢. رسول الله ﷺ: «إذا صلى أحدكم المكتوبة وخرج من المسجد، فليقف بباب المسجد ثم ليقل: اللهم دعوتني فأجبت دعوتك، وصليت مكتوبتك، وانتشرت في أرضك كما أمرتني، فأسألك من فضلك العمل بطاعتك، واجتناب سخطك، والكفاف من الرزق برحمتك»: الكافي ج ٣ ص ٣٠٩، تفسير نور الثقلين ج ٥ ص ٣٢٨، جامع أحاديث الشيعة ج ٤ ص ٤٧٨، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٤٧.
٣٣. انظر: علل الشرائع ج ٢ ص ٣١٩، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٢٣٧، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٢٩.
٣٤. انظر: الخصال ص ٤١٠، علل الشرائع ج ٢ ص ٣١٩، مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٨٠.
٣٥. إن الله أوحى إلى عيسى بن مريم عليه السلام: «قل للملأ من بني إسرائيل: لا يدخلوا بيتاً من بيوتى إلا بقلوب طاهرة، وأبصار خاشعة، وأكف نقيّة»: الخصال ص ٣٣٧، الأمالي للمفيد ص ١٣٣، فتح الأبواب ص ٢٩٦، بحار الأنوار ج ٤١ ص ١٦.
٣٦. أمير المؤمنين عليه السلام: «حريم المسجد أربعون ذراعاً، والجوار أربعون داراً من أربعة جوانبها»: الخصال ص ٥٤٤، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ٣ ص ١٠٢، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٠٢.
٣٧. رسول الله ﷺ: «كل جلوس في المسجد لغو إلا ثلاثة: قراءة مصل، أو ذاكر الله تعالى، أو سائل عن علم، فصرفت العقوبة عنهم...»: مكارم الأخلاق ص ٤٦٧، بحار الأنوار ج ٨٠ ص ٣٧٠.
٣٨. قال النبي ﷺ: «لحديث البغي في المسجد يأكل الحسنات كما تأكل البهيمة الحشيش»: مستدرک الوسائل ج ٣ ص ٣٧١، بحار الأنوار ج ٨٠ ص ٣٧٧.
٣٩. عن رسول الله ﷺ: «لا تجعلوا المساجد طرقاً حتى تصلوا فيها ركعتين»: الأمالي للصدوق ص ٥٠٩، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٤، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٣٢٨؛ أمير

المؤمنين ﷺ: «من السنّة إذا جلست في المسجد أن تستقبل القبلة»: دعائم الإسلام ج ١ ص ١٤٨، بحار الأنوار ج ٨٠ ص ٣٨٠.

٤٠. عن النبي ﷺ: «ومن بنى مسجداً في الدنيا، أعطاه الله بكل شبر منه -أو قال: بكل ذراع منه- مسيرة أربعين ألف عام مدينة من ذهب وفضّة ودرّ وياقوت...»: ثواب الأعمال ص ٣٩١، وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٠١، بحار الأنوار ج ٧٣ ص ٣٧٠، جامع أحاديث الشيعة ج ٤ ص ٤٤٨.

منابع

١. اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، تحقيق: السيّد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت، الطبعة الأولى، ١٤٠٤هـ.
٢. الأصول الستّة عشر، نخبه من الرواة، قم: دار الشبستري، الطبعة الثانية، ١٤٠٥هـ.
٣. الأمالي، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ.
٤. الأمالي، أبو عبد الله محمّد بن النعمان العُكْبَرِي البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣هـ)، بيروت: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية، ١٤١٤هـ.
٥. الأمالي، محمّد بن علي بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: مؤسسة

البعثة، قم: مؤسسة البعثة، الطبعة الأولى، ١٤١٧هـ.

٦. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (ت ١١١٠هـ)، تحقيق: دار إحياء التراث، بيروت: دار إحياء التراث، طبعة الأولى، ١٤١٢هـ.

٧. بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، أبو جعفر محمد بن محمد بن علي الطبري (ت ٥٢٥هـ)، النجف الأشرف: المطبعة الحيدرية، الطبعة الثانية، ١٣٨٣هـ.

٨. تاريخ مدينة دمشق، علي بن الحسن بن عساكر الدمشقي، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥هـ.

٩. تفسير نور الثقلين، عبدعلي بن جمعة العروسي الحويزي (ت ١١١٢هـ)، تحقيق: هاشم الرسولي المحلاتي، قم: مؤسسة إسماعيليان، الطبعة الرابعة، ١٤١٢هـ.

١٠. التهذيب (تهذيب الأحكام في شرح المقنعة)، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، طهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثالثة، ١٣٦٤ش.

١١. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، قم: منشورات الشريف الرضي، الطبعة الثانية، ١٣٦٨هـ.

١٢. جامع أحاديث الشيعة، السيد البروجردي (١٣٨٣هـ)، قم: المطبعة العلمية.

١٣. الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١هـ)، بيروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.

١٤. جامع المقاصد، المحقق الكركي، (ت ٩٤٠هـ)، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم: المهدية، الطبعة الأولى، ١٤٠٨هـ.

١٥. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، محمد حسن النجفي (ت ١٢٦٦هـ)، بيروت:

مؤسسة المرتضى العالمية.

١٦. **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**، يوسف بن أحمد البحراني (ت ١١٨٦هـ)، تحقيق: محمد تقى الايرواني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
١٧. **الخرائج والجرائح**، أبو الحسين سعيد بن عبد الله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣هـ)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عج، قم: مؤسسة الإمام المهدي عج، الطبعة الأولى، ١٤٠٩هـ.
١٨. **الخصال**، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
١٩. **الدُرُّ المنتور في التفسير المأثور**، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١هـ)، بيروت: دارالفكر، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ.
٢٠. **دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام**، أبو حنيفة النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيون التميمي المغربي (ت ٣٦٣هـ)، تحقيق: أصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دارالمعارف، الطبعة الثالثة، ١٣٨٩هـ.
٢١. **ذكرى الشيعة**، محمد بن مكّي العاملي (الشهيد الأول) (ت ٧٨٦هـ)، قم: مكتبة بصيرتي.
٢٢. **رجال الطوسي**، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، تحقيق: جواد القيومي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ١٤١٥هـ.
٢٣. **رجال العلامة الحلّي (خلاصة الأقوال)**، حسين بن يوسف الحلّي (العلامة) (ت ٧٢٦هـ)، تحقيق: جواد القيومي، قم: منشورات الشريف الرضي، الطبعة الأولى، ١٤١٧هـ.
٢٤. **رجال النجاشي (فهرس أسماء مصنفي الشيعة)**، أبو العباس أحمد بن علي النجاشي

- (ت ٤٥٠هـ)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الخامسة، ١٤١٦هـ.
٢٥. **روضة الواعظين**، محمد بن الحسن بن علي الفتال النيسابوري (ت ٥٠٨هـ)، تحقيق: محمد مهدي الخرسان، قم: منشورات الشريف الرضي.
٢٦. **سنن أبي داود**، أبو داود سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي (ت ٢٧٥هـ)، تحقيق: سعيد محمد اللحام، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ١٤١٠هـ.
٢٧. **سنن الترمذي (الجامع الصحيح)**، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذي (ت ٢٧٩هـ)، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية، ١٤٠٣هـ.
٢٨. **السنن الكبرى**، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي (ت ٤٥٨هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ.
٢٩. **شرح نهج البلاغة**، ابن أبي الحديد، (٦٥٦هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مؤسسة مطبوعاتي إسماعيليان، قم بالأوفست عن طبعة دار إحياء الكتب العربية.
٣٠. **صحيح البخاري**، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦هـ)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير، الطبعة الرابعة، ١٤١٠هـ.
٣١. **صحيح مسلم**، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ٢٦١هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، القاهرة: دارالحديث، الطبعة الأولى، ١٤١٢هـ.
٣٢. **عدة الداعي و نجاته الساعي**، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي (ت ٨٤١هـ)، تحقيق: أحمد موحد، طهران: مكتبة وجداني.
٣٣. **علل الشرائع**، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، بيروت: دار إحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٨هـ.

٣٤. **عيون أخبار الرضا**، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: السيد مهدي الحسيني الأجلوري، طهران: منشورات جهان.

٣٥. **عيون الحكم والمواظ**، أبو الحسن علي بن محمد الليثي الواسطي (ق ٥٦هـ)، تحقيق: حسين الحسيني البيرجندي، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى، ١٣٧٦هـ.

٣٦. **فتح الأبواب**، أبو القاسم علي بن موسى بن طاووس الحسيني الحلبي (ت ٦٦٤هـ)، تحقيق: حامد الخفاف، قم: مؤسسة آل البيت، الطبعة الأولى، ١٤٠٩هـ.

٣٧. **الفهرست**، محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، تحقيق: جواد القيومي، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الأولى، ١٤١٧هـ.

٣٨. **فيض القدير شرح الجامع الصغير**، محمد عبد الرؤوف المناوي، تحقيق: أحمد عبد السلام، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١٥هـ.

٣٩. **قرب الإسناد**، أبو العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمي (ت بعد ٣٠٤هـ)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، الطبعة الأولى، ١٤١٣هـ.

٤٠. **الكافي**، أبو جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ٣٢٩هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، طهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ١٣٨٩هـ.

٤١. **كتاب من لا يحضره الفقيه**، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

٤٢. **كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال**، علي المتقي بن حسام الدين الهندي (ت ٩٧٥هـ)، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مكتبة التراث الإسلامي، ١٣٩٧هـ، الطبعة الأولى.

٤٣. **كنز الفوائد**، أبو الفتح محمد بن علي الكراجكي (ت ٤٤٩هـ) قم: مكتبة المصطفوي،

الطبعة الثانية ١٣٦٩ هـ، طبعة حجرية.

٤٤. **المجازات النبوية**، أبو الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (ت ٤٠٦ هـ)، تحقيق: طه محمد الزيني، قم: مكتبة بصيرتي.
٤٥. **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي (ت ٨٠٧ هـ)، تحقيق: عبد الله محمد درويش، بيروت: دار الفكر، الطبعة الأولى، ١٤١٢ هـ.
٤٦. **مجمع الفائدة والبرهان**، المحقق الأردبيلي، (ت ٩٩٣ هـ)، الطبعة الأولى، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
٤٧. **المحاسن أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي** (ت ٢٨٠ هـ)، تحقيق: السيد جلال الحسيني، طهران: دار الكتب الإسلامية.
٤٨. **مدارك الأحكام**، السيد محمد العاملي، (ت ١٠٠٩ هـ)، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٠ هـ.
٤٩. **مستدرک الوسائل**، الميرزا النوري، (١٣٢٠ هـ)، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ هـ.
٥٠. **المستدرک على الصحيحين**، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (ت ٤٠٥ هـ)، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، طبعة مزودة بفهرس الأحاديث الشريفة.
٥١. **مسند أحمد**، أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (ت ٢٤١ هـ)، بيروت: دار صادر.
٥٢. **مشكاة الأنوار في غرر الأخبار**، أبو الفضل علي الطبرسي (ق ٧ هـ)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى، ١٤١٨ هـ.
٥٣. **المعتبر في شرح المختصر**، نجم الدين أبو القاسم جعفر بن الحسن المحقق الحلبي، (ت ٦٧٦ هـ)، قم: مدرسة مؤسسة سيد الشهداء، الطبعة الأولى، ١٣٦٤ ش.

٥٤. المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠هـ)، تحقيق: طارق بن عوض الله، وعبدالحسن بن إبراهيم الحسيني، القاهرة: دار الحرمين، الطبعة الأولى ١٤١٥هـ.

٥٥. المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠هـ)، تحقيق: حمدي عبدالمجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية، ١٤٠٤هـ.

٥٦. معجم رجال الحديث، السيد الخوئي، (ت ٤١١هـ)، الطبعة الخامسة، ٤١٣هـ، طبعة منقحة ومزودة.

٥٧. مكارم الأخلاق، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨هـ)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ.

٥٨. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ١١٠٤هـ)، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٩هـ.

بیوگرافی مؤلف

دکتر مهدی خدّامیان آرانی به سال ۱۳۵۳ در شهرستان آران و بیدگل اصفهان دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه کاشان شد و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال ۱۳۷۶ به شهر قم هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکترای فقه و اصول) را اخذ نمود.

موفقیت وی در کسب مقام اول مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ ۸/۸/۸۸ مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اولین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اول را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالی شیعه از دیگر فعالیت‌های پژوهشی این استاد است که فهرس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اولین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطی به رتبه برتر دست یافته است و در سال ۱۳۹۰ به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیت‌های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش از ۷۰ کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمی در جشنواره‌های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی - حدیثی از مهمترین ویژگی این آثار می‌باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی‌های مکتب شیعه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا جوانان را با آموزه‌های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همّت اشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

فهرست کتب نویسنده

کتب چاپ شده تا بهار ۱۳۹۳

۱. همسر دوست داشتنی. (خانواده)
۲. داستان ظهور. (امام زمان علیه السلام)
۳. قصه معراج. (سفر آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله)
۴. در آغوش خدا. (زیبایی مرگ)
۵. لطفاً لبخند. (شادمانی، نشاط)
۶. با من تماس بگیرید. (آداب دعا)
۷. در اوج غربت. (شهادت مسلم بن عقیل)
۸. نوای کاروان. (حماسه کربلا)
۹. راه آسمان. (حماسه کربلا)
۱۰. دریای عطش. (حماسه کربلا)
۱۱. شب رؤیایی. (حماسه کربلا)
۱۲. پروانه‌های عاشق. (حماسه کربلا)
۱۳. طوفان سرخ. (حماسه کربلا)
۱۴. شکوه بازگشت. (حماسه کربلا)
۱۵. در قصر تنهایی. (امام حسن علیه السلام)
۱۶. هفت شهر عشق. (حماسه کربلا)
۱۷. فریاد مهتاب. (حضرت فاطمه علیها السلام)
۱۸. آسمانی‌ترین عشق. (فضیلت شیعه)
۱۹. بهشت فراموش شده. (پدر و مادر)
۲۰. فقط به خاطر تو. (اخلاص در عمل)

۲۱. راز خوشنودی خدا. (کمک به دیگران)
۲۲. چرا باید فکر کنیم. (ارزش فکر)
۲۳. خدای قلب من. (مناجات، دعا)
۲۴. به باغ خدا برویم. (فضیلت مسجد)
۲۵. راز شکرگزاری. (آثار شکر نعمت‌ها)
۲۶. حقیقت دوازدهم. (ولادت امام‌زمان علیه السلام)
۲۷. لذت دیدار ماه. (زیارت امام‌رضا علیه السلام)
۲۸. سرزمین یاس. (فدک، فاطمه علیها السلام)
۲۹. آخرین عروس. (نرجس علیها السلام، ولادت امام‌زمان علیه السلام)
۳۰. بانوی چشمه. (خدیجه علیها السلام، همسر پیامبر)
۳۱. سکوت آفتاب. (شهادت امام علی علیه السلام)
۳۲. آرزوی سوم. (جنگ خندق)
۳۳. یک سبد آسمان. (چهل آیه قرآن)
۳۴. فانوس اول. (اولین شهید ولایت)
۳۵. مهاجر بهشت. (پیامبر اسلام)
۳۶. روی دست آسمان. (غدیر، امام علی علیه السلام)
۳۷. گمگشته دل. (امام‌زمان علیه السلام)
۳۸. سمت سپیده. (ارزش علم)
۳۹. تا خدا راهی نیست. (۴۰ سخن خدا)
۴۰. خدای خوبی‌ها. (توحید، خداشناسی)
۴۱. با من مهربان باش. (مناجات، دعا)
۴۲. نردبان آبی. (امام‌شناسی، زیارت جامعه)
۴۳. معجزه دست دادن. (روابط اجتماعی)
۴۴. سلام بر خورشید. (امام‌حسین علیه السلام)
۴۵. راهی به دریا. (امام‌زمان علیه السلام، زیارت آل‌یس)

۴۶. روشنی مهتاب. (شهادت حضرت زهراؑ)
۴۷. صبح ساحل. (امام صادقؑ)
۴۸. الماس هستی. (غدیر، امام علیؑ)
۴۹. حوادث فاطمیه (حضرت فاطمهؑ)
۵۰. تشنه تر از آب (حضرت عباسؑ)
۶۴-۵۱. تفسیر باران (تفسیر قرآن در ۱۴ جلد)

* کتب عربی

۶۵. تحقیق «فهرست سعد» ۶۶. تحقیق «فهرست الحسمیری» ۶۷. تحقیق «فهرست حمید». ۶۸. تحقیق «فهرست ابن بطة». ۶۹. تحقیق «فهرست ابن الولید». ۷۰. تحقیق «فهرست ابن قولویه». ۷۱. تحقیق «فهرست الصدوق». ۷۲. تحقیق «فهرست ابن عبدون». ۷۳. صرخة النور. ۷۴. إلى الرفیق الأعلى. ۷۵. تحقیق آداب أميرالمؤمنینؑ. ۷۶. الصحيح فی فضل الزيارة الرضویة. ۷۷. الصحيح فی البكاء الحسینی. ۷۸. الصحيح فی فضل الزيارة الحسینیة. ۷۹. الصحيح فی كشف بیت فاطمهؑ.

* * *

جهت خرید کتب فارسی مؤلف با «نشر وثوق» تماس بگیرید:
تلفکس: ۰۲۵ - ۳۷۷ ۳۵ ۷۰۰ همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۵۸ ۳۹

جهت کسب اطلاع به سایت

Nabnak.ir

مراجعه کنید.